

سوال

تمایل دارم درباره چگونگی توکل در هنگام تجارت بدانم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

توکل بر خداوند در تمام نیازهای مسلمان، از نشانه‌های ایمان فرد است. این امر، به ویژه در توکل بر خداوند برای کسب روزی و به دست آوردن آن، اهمیت بیشتری می‌یابد.

ابوحاتم بن حبان - رحمه الله - می‌گوید:

«بر خردمند واجب است که همواره بر آن‌کس که روزی‌ها را ضمانت کرده، توکل کند؛ زیرا توکل، رشته پیوند ایمان و قرین توحید است. توکل مایه ریشه‌کن شدن فقر و رسیدن به آسایش است. هرگز کسی با دلی سلیم بر خداوند متعال توکل نکرد - چنان‌که اعتمادش به ضمانت خدا بیش از اعتمادش به دارایی موجود در دستش باشد - مگر آنکه خداوند او را به بندگان وانگذاشت و روزی‌اش را از جایی که گمان نمی‌برد، رساند». منصور بن محمد کیزی برایم چنین سرود: «در هر کاری که اراده کرده‌ای، بر [خدای] رحمان توکل کن ... چرا که خداوند حکم می‌کند و تقدیر می‌نماید. هرگاه صاحب عرش امری را برای بنده‌اش بخواهد ... آن امر به او می‌رسد و بنده را اختیاری نیست. و چه بسا انسان از همان راهی که آن را امن می‌پندارد، هلاک می‌شود ... و به اذن خدا از جایی که از آن می‌ترسد، نجات می‌یابد». این مطلب در «روضة العقلاء ونزهة الفضلاء» (ص ۱۵۳، ۱۵۴) آمده است.

اما چگونگی توکل در تجارت؛ شایسته است که بنده به موارد زیر توجه کند:

الف. اینکه باور داشته باشد خداوند متعال روزی‌ها را میان آفریدگانش تقسیم کرده و آن را در ازل مقدر نموده است. ابوحاتم بن حبان - رحمه الله - می‌گوید: «شخص عاقل می‌داند که کار روزی‌ها پایان یافته (مقدر شده) و خداوند علی‌وفادار، ضمانت کرده است که آنها را در وقت نیاز بندگان، به طور کامل به ایشان برساند. و مشغول شدن به تلاش برای چیزی که ضمانت و کفالت شده، از اخلاق اهل دوراندیشی نیست؛ مگر آنکه این تلاش، همراه با این باور قلبی باشد که اگر در پی هدفش نیز تلاش نکند، روزی‌اش از جایی که گمان نمی‌برد، به او خواهد رسید». این مطلب در «روضة العقلاء ونزهة

الفضلاء» (ص ۱۵۵) آمده است.

ب. اینکه در به دست آوردن روزی اش، وابستگی‌ها میان خود و غیر الله تعالی را قطع کند. ابوحاتم بن حبان - رحمه الله - می‌گوید: «توکل عبارت است از: بریدن قلب از وابستگی‌ها با رها کردن [امید به] آفریدگان، و متصل کردن آن با نیازمندی، به دگرگون‌کننده احوال. چه بسا فردی در دنیا ثروتمند باشد، اما در توکلش صادق باشد؛ این زمانی است که «بودن» و «نبودن» (داری و ناداری) نزد او یکسان باشد و تفاوتی برایش نداشته باشد. در هنگام داشتن، شکر می‌گزارد و در هنگام نداشتن، راضی است. و چه بسا فردی که با هیچ ترفندی مالک چیزی از دنیا نیست، اما متوکل نباشد؛ این زمانی است که «بودن»، نزد او از «نبودن» محبوب‌تر باشد. در این حالت، او نه در ناداری به حالتش راضی است و نه در هنگام داشتن، شکرگزار جایگاهش می‌باشد». این مطلب در «روضة العقلاء ونزهة الفضلاء» (ص ۱۵۶) آمده است.

ج. اینکه قلب جوینده روزی، بر پروردگارش، الله تعالی، اعتماد داشته باشد و همزمان، اسباب [مادی] را به کار گیرد و در به دست آوردن آنها تلاش کند. و از جمله دلایلی که نشان می‌دهد توکل شامل به کار گرفتن اسباب نیز می‌شود، حدیثی است که از ابی‌تمیم جیشانی روایت شده که گفت: شنیدم عمر می‌گوید: شنیدم رسول الله - صلی الله علیه وسلم - می‌فرمودند: «اگر شما بر خداوند، آن‌گونه که شایسته توکل است، توکل می‌کردید، همانند پرندگان به شما روزی می‌داد؛ که صبحگاهان با شکم گرسنه بیرون می‌روند و شامگاهان با شکم پُر بازمی‌گردند». این حدیث را ترمذی (۲۳۴۴) و ابن ماجه (۴۱۶۴) روایت کرده‌اند و آلبانی در «صحیح الترمذی» آن را صحیح دانسته است.

ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: «تلاش برای فراهم کردن اسباب با توکل منافاتی ندارد - و ایشان حدیث (اگر شما آن‌گونه که شایسته است بر خدا توکل کنید...) را ذکر کرد - پس [پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن حدیث] برای پرندگان، رفتن در صبح و بازگشت در شب را جهت طلب روزی اثبات کرد، در حالی که بر خدای عزوجل توکل دارند؛ و اوست که مسخرکننده، پیش‌برنده و سبب‌ساز است». (تفسیر ابن کثیر: ۸/۱۷۹)

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: «بر بنده لازم است که قلبش تنها به خدا تکیه داشته باشد، نه به هیچ‌کدام از اسباب و وسایل؛ و خداوند هم اسبابی را که مایه صلاح دنیا و آخرت اوست، برایش فراهم می‌کند». (مجموع الفتاوی: ۸/۵۲۸)

شیخ عبدالعزیز بن باز رحمه الله می‌گوید: «توکل دو چیز را در خود جمع می‌کند: اول: اعتماد به خدا و ایمان به اینکه او سبب‌ساز اسباب است و تقدیرش نافذ؛ و اینکه اوست که امور را مقدر کرده، برشمرده و نوشته است.

دوم: به‌کارگیری اسباب؛ پس رها کردن اسباب (تلاش نکردن) جزو توکل نیست، بلکه توکل یعنی جمع میان به‌کارگیری اسباب و اعتماد به الله. هرکس اسباب را تعطیل کند، با شرع و عقل مخالفت کرده است». (فتاوی الشیخ ابن باز: ۴/۴۲۷)

ادامه سخنان این دو امام و تفصیل مسئله را در پاسخ سؤال (118262) ببینید.

د. گمان نیک (حسن ظن) به خدای متعال و پناه بردن به او با دعا و درخواست.

شیخ الاسلام می‌گوید: «شایسته است کسی که دغدغه روزی دارد، در این باره به خدا پناه ببرد و او را بخواند؛ چنان‌که الله سبحانه و تعالی در حدیثی که پیامبرش صلی الله علیه وسلم از او روایت کرده، می‌فرماید: «همه شما گرسنه‌اید مگر کسی که من به او غذا دهم، پس از من غذا بخواهید تا شما را اطعام کنم. ای بندگان من، همه شما برهنه‌اید مگر کسی که من او را بپوشانم، پس از من پوشاک بخواهید تا شما را بپوشانم» به روایت مسلم.

سخنان استوار شیخ الاسلام ابن تیمیه را در پاسخ سؤال (21575) ببینید.

والله اعلم.